

گذری بر تاریخ منظر (نما) در شهرهای ایران از آغاز دوره اسلامی تا عصر حاضر

اکرم خدای پور

دانشجوی دکتری معماری، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

حسین ذبیحی (نویسنده مسئول)

دانشیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سید مجید مفیدی شمیرانی

استادیار معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا ۲۷۱-۲۰۰۸) - سال ۱۷ شماره ۶۶ - صفحه ۲۱-۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۰

چکیده

معماری ایران برخلاف ویژگیهای برون‌گرای بناهای اروپا به‌ویژه پس از ظهور اسلام درون‌گرا قلمداد می‌شود. این ویژگی از آداب و سنت‌های فرهنگی مردم، ویژگیهای اقلیمی محیط و الزامات تبعی آن دارد. شکل‌گیری عناصر و فضاهای معماری در پیرامون یک حیاط اندرونی و مرکزی که هرگونه اشراف بصری را ناممکن می‌سازد، از تأثیرات درون‌گرایی بر سازمان‌دهی فضای عناصر و ابنیه سنتی بوده است. در شهرهای سنتی ایران نماها به دلیل ویژگی درون‌گرایی دارای کمترین تنوع بصری هستند و بخش اعظم نماها، سطوح صاف و ساده خشت و گل‌اندود با رنگ ملایم خاک تشکیل می‌دهند که گاهی درگاه‌های ورودی آن را قطع می‌کنند. بدنه داخلی حیاط‌های قدیمی ایران در مقایسه با بدنه میدان‌ها از تنوع شکلی بیشتری برخوردار هستند چراکه فرهنگ برون‌گرایی (نما) و (نمایش) مرسوم نبوده و تأکید و تزیین در نمای بیرونی بسیار محتاطانه است. وحدت نظام ساختمانی و رعایت ابعاد و تناسبات یکسان (استفاده از پیمون در طرح واحدهای مسکونی) سبب شده است تا نمای محلات مسکونی از تجانس کامل برخوردار باشند به طوری که هیچ‌یک از بخش‌های نما مزیتی بر قسمت‌های دیگر نداشته باشد. این قاعده تنها در حالتی که به یک میدانگاه یا فضای باز با عملکرد مرکز محله‌ای یا شهری می‌رسد تغییر می‌یابد در نماهای عمومی ترکیب عناصر رنگ تزیینات و غیرمتناسب با معنای فضا است که معمولاً در اطراف میدانگاه‌ها بنای عمومی از قبیل گرمابه، مسجد، مدرسه و آب‌انبار و بازارچه قرار می‌گرفتند. در واقع نمای شهری در این فضا از تنوع و زیبایی شناخت بیشتری برخوردار بوده است و نسبت به مناظر شهری متفاوتی را ارائه می‌کرد.

کلمات کلیدی: منظر معماری، نما، معماری شهری، اقلیم گرم و خشک.

رشد شتابان باگسترش بی‌رویه کالبدی معماریدرحوزه معماری شهری، به نحوی شکل گرفت که بسیاری از مجموعه‌های شهری نتوانستند خود را با این رشد بی‌رویه تطبیق دهند، در نتیجه سیمای بصری معماری شهرها که دربرگیرنده طیف وسیعی از نماهاست، از لحاظ توسعه، دچار اغتشاش بصری گردید. پیامد این رشد کالبدی سریع و شتابان، عدم نظارت بر ساخت و تغییرات اساسی در منظر نماها با صورت متنوعی از کالبد سیمای معماری بناها گردید. سیمای بصری نمای ساختمان‌ها در منظر معماری شهرها از مهم‌ترین عوامل سازنده هویت منظر می‌باشند. با توجه به اهمیت نماد در منظر معماری و از آنجایی که نماد در حوزه معماری بخشی از هویت و حقوق عمومی شهروندان را در بر می‌گیرد و یاد در نظر گرفتن وضعیت نابسامان نماهای معماری در منظر معماری شهری، ضرورت تبیین مدلی مفهومی برای نماها به صورت کلیتی هماهنگ پیشنهاد و مطرح می‌شود. با توجه به تنوع اقلیمی در کشور ایران و توجه به این مسئله که تأثیرات محیطی در کالبد معماری تأثیر بسزایی دارد، تبیین این مدل با در نظر گرفتن اقلیم گرم و خشک ایران مدنظر قرار گرفته است. ارتقاء هویت منظر معماری نماها، معاصر نیازمند مدلی است که سیمای معماری شهر به عنوان بخش کالبدی آن را در کنار ابعاد فرهنگی و نیازهای کارکردی آن مدنظر قرار دهد، در نتیجه معنای سیمای با دیده منظر ارتقاء پیدا کند.

مفهوم منظر

واژه‌های چشم‌انداز و دورنما به عنوان معادل‌های منظر در فارسی به کار برده شده‌اند که با تعریف عامیانه آن سازگار است. معنای «نگاه حکیمانه» در لغت منظر، آن را بر واژه چشم‌انداز برتری می‌دهد. منظر نه فقط آن چه دیده می‌شود، هست، بلکه محصول درک و تجربه ما از فضا است. اهل نظر و نظریه پردازان ترکیباتی از این ریشه هستند که عمق معنای منظر را آشکار می‌کنند (منصوری، ۱۳۸۳). منظر از جمله اسامی دوگانه در ادبیات فارسی است که هم‌اسم فاعل است به معنی نظرگاه و هم‌اسم مفعول است به معنی مورد نظر که نکته‌ای بسیار مهم در فهم معنای آن و دلایلی برگسترده‌گی معنایی و عمق واژه منظر است. در زبان انگلیسی منظر به معنای Landscape و از دو واژه Land و پسوند Scape تشکیل شده

گذری بر تاریخ منظر (نما) در شهرهای ایران از آغاز دوره اسلامی تا ..حاضر

است. در مواردی که منظر به عنوان کلمه به کار رفته، به بخشی از زمین که قابل درک بوده و دارای ویژگی طبیعی یا روستایی است یا در حومه‌هایی که توازن بین نظم طبیعی و سازمان‌دهی آن به آسانی قابل تشخیص باشد، اطلاق می‌شود. هرگاه Landscape به عنوان فعل به کار رود، غالباً به زیبایی‌شناسی زمین اشاره دارد. شکل‌گیری کلمات ترکیبی نظیر Scape-City و Scape Town و Scape-Sea و نظایر آن در ادبیات و تحقیقات اولیه، با توجه به وجه زیبایی‌شناسی ظاهری منظر بوده است. منظر Landscape و زمین Land هم‌معنی نیستند، زمین به خاک و بستر طبیعی آن اشاره دارد. حتی زمانی که به مالکیت یا کیفیت چیزی می‌پردازد، حال آن که منظر به مثابه یک میراث مشترک و یک هویت جمعی است. (Lowenthal, 1985: ۱۶۸)

ویژگی‌های منظر

منظر دارای ویژگی‌های متعددی است، هیچ‌کس نمی‌تواند ادعای مالکیت آن را داشته باشد. اگرچه این نگرانی که مسئول حفاظت از منظر کیست به ذهن خطور می‌کند. (Council of europ. 2000.) ریشه لغوی منظر فقط به حومه‌های شهری یا دهکده‌های زیبا و طبیعت محدود نمی‌شود، بلکه یک مالکیت جمعی سرزمینی را نیز در بر دارد. (همان) پسوند Scape در انگلیسی یا Schap در زبان هلندی به خلق کردن، شکل دادن و ویژگی دادن به زمین و یک منطقه اشاره دارد. در زبان فرانسه نیز کلمه Pays به زمینی با هویتی اصیل و اشاره به کلمه منظر دارد و با کلمه Terre که به معنای زمین، خاک و بستر طبیعی آن می‌شود، متفاوت است. منظر در دنیای امروز به عنوان مجموع‌های از علوم و به تعبیری Knowledge است نه Science چرا که موجودی پویا و متصور می‌شود که از یک سو متأثر از انسان و نحوه زیست اوست و از سوی دیگر با شکل خود و تداعی‌خاطراتی که در زمان‌های طولانی بر بستر آن روی داده است بر تمدن، فرهنگ و نوع زیست آدمیان اثر می‌گذارد. توانایی منظر در ایجاد حس قوی در آن چه به ماتعلق دارد، از لذت زیبای شناختی و از شگفتی در پیچیدگی اکولوژیک و ارتباط بین جوامع است. (Swaffield, S.R. 2005) بنابراین منظر تغییرشکلی دوباره به دنیا داده است؛ نه تنها به واسطه ویژگی‌های کالبدی و تجربی‌اش، بلکه به دلیل مضمون روشن و ظرفیت بالادریبان ایده‌ها و به

کارگماشتن ذهنیت. علاوه بر این‌ها منظر به دلیل بزرگی در مقیاس و قلمرو، به مثابه استعاره‌ای برای یک جامعیت چندگان هویت‌گرا و ترکیبی جامع که سبب تمام تفاوت‌های می‌شود، مطرح است. (Corner, James. 1999) منظر به مفهوم ناحیه‌ای است که توسط مردم در کمی‌شود، منطقه‌ای که ویژگی‌های آن ناشی از تعامل مؤلفه‌های انسانی و طبیعی است و طبیعت، مناطق شهری، روستایی و حومه‌های شهری را در بر می‌گیرد. منظر سرزمین، رودها و دریاها را شامل می‌شود. این مطلب می‌تواند شامل مناظری که باید تحت حمایت یا باززنده سازی و مراقبت قرار گیرند، مناظر عادی و روزمره و حتی مناظری که چهره‌ای نه‌چندان مطلوب دارند، نیز می‌شود. از تعاریف فوق می‌توان استنباط کرد که منظر می‌تواند به عنوان یک ساختار که در آن احساس از مکان و خاطرات، ماندگاری و پایداری ذهنی دارد، دیده شود.

از آغاز اسلام تا دوران صفوی

معماری ایران برخلاف ویژگی برون‌گرای بناهای اروپا، به‌ویژه پس از ظهور اسلام، درون‌گرا قلمداد می‌شود. این ویژگی هم از آداب و سنت‌های فرهنگی مردم ناشی شده و هم ریشه در ویژگی‌های اقلیمی محیط و الزامات تبعی آن دارد. شکل‌گیری عناصر و فضاهای معماری در پیرامونی کحیاط اندرونی و مرکزی که هرگونه اشرف بصری را ناممکن می‌سازد و طبیعتی محصور و نظارت‌شده را در اختیار ساکنین قرار می‌دهد، از تأثیرات درون‌گرایی بر سازمانده فضایی عناصر و ابنیه سنتی بوده است. ترکیب حاصل از هم‌جواری واحدها در سطحی که محله به شکل‌گیری بافتی می‌انجامد که روبه درون دارد و ارتباط با محلات هم‌جواری و شهر را با گذرهای پریپیچ و خم برقرار می‌گردد. بدین ترتیب نظام ساختمانی به گونه‌ای است که مودی از فضاهای داخلی در نمای خارجی دیده نمی‌شود و کمتر بازشویی در معابر نمایان است. در شهرهای سنتی ایران، نماها به دلیل ویژگی درون‌گرایی، دارای کمترین تنوع بصری هستند و بخش اعظم نماها را سطوح صاف و ساده خشت و گل‌اندود بار ملایم خاک تشکیل می‌دهند که گاهی درگاه‌های ورودی آن را قطع می‌کنند. بدنه داخلی حیات‌های قدیمی ایران در مقایسه با بدنه میدان‌ها از تنوع شکلی بیشتری برخوردار هستند، چراکه فرهنگ درون‌گرای «نما» و «نمایش» مذموم

گذری بر تاریخ منظر (نما) در شهرهای ایران از آغاز دوره اسلامی تا ..حاضر

بوده است، از این رو تأکید و تزئین در نمای بیرونی بسیار محتاطانه است و به اطراف درب ورودی محدود می‌شود. وحدت نظام ساختمانی و رعایت ابعاد و تناسبات یکسان (استفاده از پیمون در طرح واحدهای مسکونی) سبب شده تا نمایه محلات مسکونی از تجانس کامل برخوردار باشد، به طوری که هیچ یک از بخش‌های نما، مزیتی بر قسمت‌های دیگر نداشته باشد و این قاعده تنها در حالتی که به یک میدان گاهی فضای باز با عملکرد مرکز محله‌ای یا شهری می‌رسد، تغییر می‌یابد. در نماهای عمومی ترکیب عناصر، رنگ، تزئینات و غیره متناسب با معنای فضا است که معمولاً در اطراف میدانگاه‌ها، بناهای عمومی از قبیل گرمابه، مسجد، مدرسه، آب‌انبار و بازارچه قرار می‌گرفتند. در واقع نمای شهری در این فضا از تنوع زیبای شناختی بیشتری برخوردار بوده و مناظر شهری متفاوتی را نسبت به گذرهای منتهی به آن ارائه می‌کرد. (صفامنش، ۱۳۷۳: ۳۲)

دوره صفویه

در دوره صفویه و به ویژه در زمان شاه عباس، برخورد محتاطانه‌ای بانمای شهری در معماری و شهرسازی ایران شد، این تحولات اندک‌اندک زمینه را برای ورود عناصر و مفاهیم جدید، در عین احترام به اصول گذشته فراهم آورد. آن چه در این دوران بر مفاهیم پیشین اضافه و به تعبیری ابداع شد، پیدایش مفهوم «خیابان» در مقابل «بیابان» بود که یاراه به میدان اصلی شهر می‌پرد و این که به موازات آن کشیده می‌شد. طراحی میدان و مرکز اصلی شهر، فارغ از این که هر یک از اضلاع آن چه ویژگی‌هایی دارند، نمای اصلی میدان را نیز شکل داده و ورودی آن در بدنه‌های میدان، نوعی ارتباط متقابل از نظر کالبدی و معنایی بین آن‌ها برقرار می‌ساخت. همچنین محور شهری جدید چهارباغ (یا بولوار) در استخوان‌بندی شهر در مقابل محور خطی، ارگانیک و درون‌گرایب ازار، عنصری جدید و ذاتاً برون‌گرا با ماهیت و الزامات متفاوت در شهر به شمار می‌آمد. از این پس معماری نه در حد بناهای منفرد بلکه در حد مجموعه‌های شهری مطرح شد. معماری شهری و خلق فضاهای شهری هدف اصلی شهرسازی مکتب اصفهان (که انتقاداتی به آن وارد است) بود. به همین دلیل در اصفهان دوره صفوی حتی پله‌ها نیز از عناصر شهری تلقی و برای ارتقاء کیفی منظر شهری به کار گرفته می‌شدند. اگرچه در این دوره نمای ناهای عمومی

نه در پیوستگی بلکه در توالی قابل مشاهده‌اند، اما به دلیل وحدت شکلی بدنه‌های شهری با آن‌ها، یعنی میدان‌ها، بازار، خیابان و غیره، تجانسی کامل در نمای شهری دیده می‌شود. (قربان زاده و همکاران، ۱۳۹۲:

۱۲۳)

دوره قاجاریه

روند تحولات معماری معاصر ایران مبین گذار از درون‌گرایی به برون‌گرایی و از خصوصی به عمومی است. این دوره از اواخر عصر قاجار، به‌ویژه پس از سفرهای ناصرالدین‌شاه به فرنگ در قالب بررسی می‌باشد که از مکتب اصفهان ریشه می‌گیرد و با تلفیق عناصر و مفاهیم وارداتی از فرنگ، نوعی معماری التقاطی باتکیه بر مفاهیم درونی پدید می‌آورد که آن را «سبک تهران» می‌نامند. در دوره قاجار معماری رسمی به تبعت جد دطلبی، چهره‌های بیرونی می‌یابد و لبه‌خیابان هادر مفهوم جدید خویش، جایگاه عناصر خدماتی می‌شوند. پدیده‌ای که در ایران به آن «معماری خیابانی» اطلاق می‌گردد، آن نوع از معماری است که در تعامل با خیابان و با توجه به نمای اصلی شکل گرفته است. این پدیده برای نخستین بار در محور چهارباغ اصفهان ظاهر شد، اما تنها در دوره قاجار به طور نظام‌مند شکل گرفت. بدین ترتیب در حالی که خیابان در مکتب اصفهان، عملکردی تفریحی دارد، در سبک تهران، یک فضای شهری با هویت وزنده تلقی می‌شود. لذا در معماری نیز به تقلید از اروپا و با استقرار در لبه‌خیابان‌های جدید، نماهایی شکل گرفت که علی‌رغم تازگی و غیربومی بودن، تناسب و هماهنگی مناسبی داشتند و همین امر نوعی وحدت و یکپارچگی به نمای خیابان می‌بخشید. بدنه میدان توپخانه و خیابان‌های لاله زار و باب همایون نمونه‌های مناسبی از این موارد می‌باشند. (بانی مسعود، ۱۳۹۴: ۳۹)

دوره پهلوی و معاصر

از آغاز دوره پهلوی، معماری و شهرسازی کشور تغییر ماهیت یافت و برای اولین بار دولت بر آن شد چهره شهرانه بر مبنای تفکر و تحول درونی، بلکه بر مبنای اندیشه و تغییر بیرونی دگرگون سازد و معماری دچار هرج و مرج و آشفتگی شد. معماری پهلوی شاهد احداث ساختمان‌هایی است که هر کدام بیانگر یکی از مکاتب فکری دوره‌هایی مشخص از تاریخ ایران ۲۰ هستند. کاخ مرمر به تقلید از معماری

گذری بر تاریخ منظر (نما) در شهرهای ایران از آغاز دوره اسلامی تا ..حاضر

ستی ایران، عمارت شهربانی کل کشور به تقلید از تخت جمشید و ساختمان‌های بلدیه یا ساختمان شهرداری تهران و پست خانه در شمال و جنوب میدان توپخانه به تقلید از معماری نئوکلاسیک فرانسه ساخته شدند. در معماری پهلوی تلاش می‌شد که پیوندی بین سه طیف فکری پدید آید (ساختمان‌های وزارت امور خارجه، اداره پست و صندوق پست‌اندازبانک ملی) که در واقع می‌توان به عنوان نمونه این‌گونه ساختمان‌های التقاطی نام برد. این گرایش‌های متفاوت و بعضاً متضاد در معماری این دوره ناشی از اختلاف در گرایش‌های سیاسی و باورها و نگرش‌های این عصر از تاریخ ایران هستند که ریشه در جریان‌های عقیدتی-سیاسی دوران پهلوی دارد. (همان) این نگرش با کمترین توجهی به سنن کهن مردم، نوعی معماری رادربله خیابان، همچون نماد تجدید، ترویج کرد و یک باره همه قواعد و معیارهای آزموده و اندیشیده در معماری بومی را نادیده گرفت و بدون فضای واسطه به روی معبرگشود. این معماری عموماً با فرهنگ درون‌گرای مردم در تعارض بوده و ساکنین، اغلب زندگی خصوصی خود را پس پرده‌های ضخیم مخفی می‌نمودند. به موازات این نگرش و تشدید آن در دهه‌های بعد، به ویژه با رونق ساختمان‌سازی در دهه ۱۳۵۰، توجه به معماری زمینه هر روز کمتر شد و اغتشاش و نابسامانی بصری در سیمای شهری افزایش یافت، به صورتی که هر بنا یک طرح مستقل معماری و جدا از سایر بناها در بدنه خیابان تلقیمی شد و بی‌توجه به عوامل کیفی نمای شهری، طراحی و اجرایی گردید. این معضل تاکنون با وجود تحولات گسترده اجتماعی-فرهنگی و علمی-آموزشی هم چنان به قوت خود باقی مانده و در حال گسترش است. در رابطه با ضوابط و آئین‌نامه‌های مربوط به نماد و اوایل دهه ۱۳۲۰، مسئولیت تنظیم آئین‌نامه ساختمانی بر عهده کادری متشکل از مهندسیین و معماران ایرانی و خارجی واگذار شد. آئین‌نامه فوق شامل مقرراتی کلی در مورد ارتفاع ساختمان‌ها نسبت به عرض معابر و قواعدی برای حل مشکلات نمای ابنیه می‌گردید که اغلب بندهای آن هرگز به اجرا در نیامد. در دهه ۱۳۴۰ اقداماتی در جهت تکمیل و اجرایی‌مقررات یاد شده انجام پذیرفت که از آن جمله می‌توان به تشکیل پلیس ساختمانی و تأسیس وزارت آبادانی و مسکن اشاره نمود. اقدام دیگر تشکیل شورای عالی شهرسازی و معماری در سال ۱۳۴۵ به منظور تهیه طرح‌های توسعه شهری بود. اقدامات مهم دیگری نیز در آن زمان انجام پذیرفت که آئین‌نامه سال ۱۳۴۷ مبتنی به الزام مالکین و روبناهای مخروبه به کشیدگی حصار و همچنین محدودیت نصب آگهی‌های تبلیغاتی در محل‌های عمومی بدون مجوز شهرداری بود. (تدوین مبانی ساماندهی نمای شهری تهران، بی تا: ۱۴۰-۱۳۹)

در سال ۱۳۷۵ مطالعاتی بنابه درخواست شهرداری تهران توسط مهندسین مشاور مهرآزان در خصوص «طرح ساماندهی نمای شهری» به عمل آمد. در این مطالعات ضوابطی در مورد هماهنگی نما با ساختمان‌های مجاور، جزئیات نماسازی نظیر بیرون زدگی‌ها، پیشانی و انتخاب مصالح نما، رنگ آمیزی، نصب اعلانات و الحاقات به بنا و حصارکشی ارائه شده است. در مجموعه مبان یارائه شده، پس از بیان ضوابط عمومی، شرح خدمات تهیه طرح‌های ساماندهی نیز ارائه گردیده است. مطابق این شرح خدمات، لازم است که نواحی مختلف شهری از لحاظ درجه بندی محورها مورد بررسی قرار گرفته و بر اساس رتبه محور مورد نظر که شامل محورهای اصلی و فرعی و ویژه می‌گردد، مقررات و ضوابط خاص طراحی نما برای هر خیابان و تک بنا در منطقه مورد نظر و همچنین طرح‌های تیپ و طرح‌های خاص برای محورهای ویژه تهیه و به سازندگان بنا ابلاغ گردد. طرح‌های تیپ باید شامل جزئیاتی از قبیل تقسیمات عمده نما، وضعیت نمایش سازه، تناسبات، تأثیر بصری ترکیب بندی نما، سازمان دهی به کلی نظیر تقارن، جهت و ریتم، فرم، سقف، مصالح و پلکان، دهنه مغازه ها، الحاقات، سایبانها و نرده‌ها باشد. بدین ترتیب به نظر می‌رسد در شرایط کنونی نه تنها طرح‌های توسعه شهری می‌بایستی وظیفه تعیین شرایط طراحی نمای شهر را به صورت عمومی بر عهده گرفته و مسئله نماسازی را مورد التفات بیشتر و دقیق تری قرار دهد، بلکه جزئیات نما نیز می‌بایستی توسط عوامل محلی و با توجه به ویژگی ها و عملکرد مناطق و موقعیت‌های مختلف شهری تهیه و حتی در برخی موارد به صورت الگوهای مشخص ارائه گردد. (تدوین مبانی ساماندهی نمای شهری تهران، بی تا: ۱۴۰)

مؤلفه‌های کالبدی منظر

عوامل تأثیرگذار خلق کننده منظر مطلوب شهری می‌توانند در مؤلفه های زیر تعریف شود. مؤلفه‌های عملکردی منظر. مؤلفه‌های زیبایی شناسی منظر. مؤلفه‌های معنایی مؤثر بر هویت منظر. مؤلفه‌های ادراکی منظر. عملکرد در منظر را می‌توان در خواناسازی محیط، آرام سازی محیط، راه یابی در فضای شهری، تناسب، دسترسی، جنبه بصری و مواردی از این قبیل در شهردانست. وجود کیفیت نفوذ پذیری به فضاها، مجاور، در عین رعایت سلسله مراتب و حریم از عملکردهای مؤثر بر کیفیت جداره‌های شهری می‌باشد. علاوه بر این وجود فضاها، شهری و مکان‌های مکث در پیاده‌روها و ترکیب فضاها، شهری با کاربری‌هایی می‌تواند موجب ارتباط قوی تر مردم باندنه

گذری بر تاریخ منظر (نما) در شهرهای ایران از آغاز دوره اسلامی تا ..حاضر

شهری گردد. وجود فضاهایی آرام و به دور از اغتشاش در جداره‌ها و همین طور در عملکردهای موجود در محیط بر ارتقاء کیفی جداره های شهری مؤثر می باشد، لذا توجه به همگونی عملکردها و هم‌جواری عملکردهای متناسب با هم در یک راسته می تواند در این امر مؤثر باشد. علاوه بر این وجود سلسله مراتب مناسب بین خیابان‌ها و جداره‌ها (نماها) می‌تواند تأثیر زیادی بر کیفیت منظر معماری داشته باشند. هرچه این فعالیت ها هم‌خوان و متناسب تر با عملکردهای رایج در آن فضا باشند، تأثیر بهتری بر کیفیت منظر خواهند داشت و در مقابل آن وجود عواملی مانند حضور دست‌فروشان و فعالیت‌های نامناسب موجب کاهش کیفیت جداره‌ها خواهد شد. (رضازاده، ۱۳۸۶: ۸۹) همین‌طور وجود مبلمان مناسب در جداره ها و علائم و نشانه‌های مناسب کان‌یابی منظر می‌تواند بر ارتقاء عملکردهای محیط از طریق احترام به استفاده‌کننده مؤثر باشد. خوانایی محیط و وجود نشانه‌ها یا آشنا برای مردم شهردر سیمای منظر شهر می‌تواند موجب ایجاد حس تعلق و ارتباط بیشتر مردم با محیط شهر خواهد گشت. دسترسی به فضاهای مجاور و وجود سلسله‌مراتب دسترسی در عین توجه به عدم تداخل کاربری‌ها از دیگر عوامل مؤثر بر بالابردن کیفیت فضاهای شهری می‌باشد. توجه به جنبه‌های بصری نماها و متناسب بودن آنها با عملکردهای شان از موارد مهم در طراحی نماهای شهری می‌باشد به گونه‌ای که از لحاظ اصول زیباشناسی و تناسب فرم و عملکرد، نماها بتوانند پاسخگوی نیازهای شهروندان باشند. توجه به وجود عناصر نشانه‌ای در خیابان‌های شهری برای ایجاد حس مکان‌یابی می‌تواند از عوامل مؤثر بر ارتقاء عملکردهای فضاهای شهری باشد. ایجاد اصول و معیارهای ساماندهی وضوابط و مقررات سیمای شهری، در طرح تحقیقاتی انجام شده در مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری سند اصلی مصوب طرح جامع شهر تهران در راستای امنیت فضاهای شهری توصیه شده که از عملکردهای تک منظوره در جداره‌های خیابان اجتناب گردد. (همان)

بررسی معیارهای مؤثر بر ارتقاء عملکردهای شهری می‌توان به اصولی به عنوان معیارهای نهایی دست‌یافت. (بررسی تأثیر ضوابط و مقررات شهری در شکل‌گیری نماهای شهری، ۱۳۹۲: ۴۵) ارتقاء عملکردهای منظر معماری با توجه به نشانه‌شناسی صحیح در طراحی نما برای ایجاد خوانایی

بصری، توجه به فعالیت‌های جاری در یک خیابان جهت ایجاد شناسنامه عملکردی برای یک فضای شهری، هم‌جواری عملکردهای هم‌خوان جهت جلوگیری از آلودگی صوتی و بصری و آرام‌سازی محیط، رعایت سلسله مراتب، احترام به حریم‌ها و توجه به نیاز انسان در سهولت راه‌یابی به فضاهای شهری، توجه به مسائل زیبایی‌شناسی و بصری نماهای شهری و توجه به سهولت دسترس‌پذیری جداره‌ها و ایجاد امنیت برای پیاده‌ها با ایجاد سلسله مراتب در دسترسی‌ها و رعایت مقیاس انسانی در طراحی ورودی و خروج عملکردی تأثیر مستقیم فعالیت‌های هم‌خوان با عملکردها بر منظر معماری فرهنگ بومی نفوذپذیری نشانه‌شناسی که کنترل صوتی و بصری ایجاد حس تعلق و خوانایی از طریق نشانه بصری مؤلفه‌های عملکردی جداره‌ها جهت ارتقاء کیفیت مطلوب منظر معماری علائم و نشانه‌های مناسب مکان‌یابی همگونی عملکردها سلسله مراتب حریم‌ها کیفیت نفوذپذیری فضاهای مجاور ایجاد فضاهای مکث در پیاده‌رو بوم‌گرایی ارتقاء عملکردی منظر با توجه به نشانه‌شناسی درست در طراحی نما برای ایجاد خوانایی ارتقاء عملکردی منظر با توجه به نشانه‌شناسی درست در طراحی نما برای ایجاد خوانایی رعایت سلسله مراتب، احترام به حریم‌ها، توجه به نیازهای انسان جهت سهولت به فضاهای شهری رعایت سلسله مراتب، احترام به حریم‌ها، توجه به نیازهای انسان جهت سهولت به فضاهای شهری توجه به ارزش‌ها و اصول برگرفته از فرهنگ مبانی بومی در طراحی نما و منظر معماری شهر توجه به ارزش‌ها و اصول برگرفته از فرهنگ مبانی بومی در طراحی نما و منظر معماری شهری. ترکیب فضاهای شهری با کاربری‌ها توجه به فعالیت‌های جاری در یک خیابان جهت ایجاد شناسنامه عملکردی توجه به فعالیت‌های جاری در یک خیابان جهت ایجاد شناسنامه عملکردی سلسله مراتب دسترسی فرهنگ بومی هم‌جواری عملکردهای هم‌خوان و مناسب جهت جلوگیری از آلودگی صوتی و بصری هم‌جواری عملکردهای هم‌خوان و مناسب جهت جلوگیری از آلودگی صوتی و بصری استفاده مناسب از رنگ و در نظر گرفتن ابعاد مادی و معنای رنگ در جداره‌ها استفاده مناسب از رنگ و در نظر گرفتن ابعاد مادی و معنای رنگ در جداره‌ها

(همان) نتایج حاصل از بررسی مؤلفه‌های عملکردی جداره‌ها در راستای ارتقاء کیفیت مطلوب منظر معماری را نشان می‌دهد.

مولفه های منظرهای زیبایی شناسی

در این بخش منظور از بعد زیبایی شناختی، تأثیر بعد کالبدی ابنیه در منظر معماری شهر است. منظور از بعد کالبدی ابنیه، فرم این نوع ابنیه به تنهایی نیست، بلکه تأثیر این ابنیه در منظر است. وجه محسوس فضا شامل مواردی همچون چشم‌نوازی کالبد فضا یا ترکیب بندی، کیفیت رنگ و مصالح از مواردی است که در مطالعات زیبایی شناسی منظر شهری (البته بعد کالبدی زیبایی شناسی) به طور عام به آن اشاره شده است. به این ترتیب، به طور خاص در بررسی زیبایی شناختی بناها می‌توان ارتقاء کیفیت بصری شهر را شامل عواملی همچون حضور طبیعت در بدنه‌ها، استفاده مناسب از رنگ، توجه به نحوه اتصال بناها به همدیگر، توجه به اصول زیباشناسی کلاسیک نظیر تناسب، ریتم، نظم، هماهنگی و غیره، توجه به خط آسمان و خط زمین در جداره شهری، استفاده از سبک مناسب در طراحی بنا و استفاده صحیح از رنگ دانست. نکته حائز اهمیت این است که بررسی عوامل زیبایی شناسی در منظر در رابطه با خود بنا نیست بلکه در رابطه با پیوند بنا با محیط و زمینه است. عوامل مؤثر بر زیبایی منظر مطلوب به شرح زیر تعریف می‌شود. (همان)

حاکمیت مظاهر زیبایی شناسانه مانند وزن، ریتم، وحدت، تنوع، تباین فضایی، وجود سلسله مراتب فضایی، نظم، تنوع، پیچیدگی و کیفیات هنری نظیر ترکیب و ریتم به منظر معماری هویت خاص و منحصر به فردی می‌بخشد. خط آسمان در حقیقت نیمرخ شهر در مقابل آسمان است جایی که آسمان و زمین به هم می‌رسند. می‌توان خط آسمان را با ساختمان‌های یادمانی یک شهر از قبیل گنبد یا مناره مساجد شکل داد، بناها می‌توانند با ریتم و هم‌گونی به شهر هویت بخشند. اتصال بنا به جداره شهری و نحوه اتصال آن به زمین دارای اهمیت بسیاری می‌باشد و بهتر است به مسائل زیبایی شناسانه، سلسله مراتب و حریم در طراحی آن توجه گردد. توجه به اصول و ارزش‌های بومی و فرهنگی در طراحی نماها به جای تقلید از مدهای سطحی می‌تواند به طرح‌های مناسب‌تری برای نماهای شهری منتهی گردد. جهت نظارت و هماهنگی نماهای شهری نهادهای قانون‌گذار باید به

وضع قوانین متناسب با شرایط مناطق شهری پردازند و سعی در ایجاد نظم در جداره‌های شهری نمایند. استفاده از مصالح بومی متناسب جهت ایجاد استحکام، ایجاد حس تعلق و القاء زیبایی معنوی. استفاده از پوشش گیاهی در بدنه‌های خیابان منجر به ایجاد طراوت و نشاط در محیط شهری می‌شود. توجه به ابعاد معنایی و نمادین رنگ‌ها در جداره بنا در کنار ابعاد مادی و کالبدی. اتصال و همجواری متناسب بناها در جداره شهری اهمیت بسیار بالایی دارد به گونه‌ای که عدم توجه به عملکرد آن‌ها می‌تواند مشکلات بسیاری را در بدنه‌های شهری ایجاد نماید. مؤلفه‌های زیبایی‌شناسی مؤثر این به بر کیفیت مطلوب منظر معماری. (نصر، ۱۳۹۲: ۴۵) بابررسی معیارهای مؤثر بر عوامل زیباشناسی نمای شهری، اصول قابل ارائه به صورت معیارهای نهایی بدین شرح می‌باشد. (فلاح، ۱۳۸۵: ۳۲)

توجه به حضور طبیعت در جداره‌ها و با مبنا و توجه به مصالح طبیعی، همجواری بناها با عملکردهای متناسب و توجه به اصول زیبای شناسی در ترکیب نماها، بهره‌گیری از مصالح بومی و در نظر گرفتن مفاهیم اقلیمی، در نظر گرفتن اصول زیبای شناسی کلاسیک در طراحی و ترکیبی نما، استفاده مناسب از رنگ و در نظر گرفتن ابعاد مادی و معنایی رنگ در جداره‌ها، توجه به ارزش‌ها و اصول برگرفته از فرهنگ، مبانی بومی در طراحی نما و منظر معماری شهر. مؤلفه‌های زیبای شناسی مؤثر این به بر کیفیت مطلوب منظر معماری را نشان می‌دهد

مؤلفه معنای منظر

آن چه به عنوان هویت منظر آن یاد می‌شود میل به زندگی در شهرهای امروز با پشتوانه دیروز است و سیاست‌های حفظ کالبد صرف، برای احیای هویت و نادیده انگاشتن زندگی امروز، چالشی جدی در منظر معماری شهرها محسوب می‌شود. از طرفی باید توجه داشت که هویت، نوعی تمایز است. تمایز انسان با انسان، شهر با شهر، فرهنگ با فرهنگ. موجودیت منظر شهری با هویت آن گره خورده است و جهانی‌سازی علی‌رغم ظاهر فریبنده‌اش، بحران آفرین است. در واقع، بخشی از هویت منظر معماری با کالبد گذشته شهری پیوند خورده است و زمانی که مکان‌های

گذری بر تاریخ منظر(نما) در شهرهای ایران از آغاز دوره اسلامی تا ..حاضر

خاطره‌انگیز با اتصال تاریخی به گذشته از بین می‌روند، به رنگ بوم و اقلیم وضع قوانین متناسب با شرایط مناطق شهری در ایجاد نظم در جداره‌های شهری خط آسمان، نیم‌رخ شهر در مقابل آسمان ایجاد حس تعلق و القا زیبایی معنوی در کنار زیبایی مادی توجه به ابعاد معنایی و نمادین رنگ هادرجداره بنا در کنار ابعاد مادی و کالبدی آن جهت ارتقاء کیفیت مطلوب جداره‌ها استفاده مناسب از رنگ و در نظر گرفتن ابعاد مادی و معنای رنگ در جداره‌ها استفاده مناسب از رنگ و در نظر گرفتن ابعاد مادی و معنای رنگ در جداره‌ها توجه به اصول ارزش‌های بومی و فرهنگی در طراحی نما و منظر پوشش‌های گیاهی در بدنه‌های خیابان برای ایجاد طراوت و نشاط در محیط طبیعت توجه به حضور طبیعت در جداره‌ها و اوبامنا و توجه به مصالح طبیعی وزن، ریتم، وحدت، تنوع، تباين فضایی، وجود سلسله مراتب فضایی، نظم، تنوع، پیچیدگی کیفیات هنری نظیر ترکیب اتصال بنابه جداره شهری و نحوه اتصال آن به زمین بهره‌گیری از مصالح بومی و در نظر گرفتن مفاهیم اقلیمی بهره‌گیری از مصالح بومی و در نظر گرفتن مفاهیم اقلیمی هم‌جواری بناها با عملکردهای متناسب و توجه به اصول زیبایی شناسی در ترکیب نماها هم‌جواری بناها با عملکردهای متناسب و توجه به اصول زیبایی شناسی در ترکیب نماها زیبایی شناسی. (کالن، ۱۳۹۰: ۸۹) مولفه زیبایی شناسی موثر اینه بر کیفیت مطلوب منظر معماری دنبال قطع تداوم تاریخی، منظر شهری هویت مند نیز از بین می‌رود منظری که می‌تواند با حیات مدنی امروز و تداوم تاریخی گذشته، شهر را هویت مند تر سازد. احراز هویت مندی در منظر معماری شهرها باعث می‌شود نسل‌های آینده از فضاهای آشنا برخوردار باشند. یکی از مواردی که موجب درک هویت در محیط مصنوع می‌شود نگاه به این آثار به مثابه ابزار شناخت و فهم مکان است به صورتی که این فهم موجب تعلق انسان و آثار ساخته شده توسط او به یک مکان باشد. معنا، تاریخ و فرهنگ از عوامل مؤثر بر هویت منظر می‌باشند. (یونگ، ۱۳۷۸: ۱۶۷)

معنای منظر

معماری روی رفتار گروهی و فردی تأثیری گذارد، رفتار فردی متأثر از رفتار گروهی و صفات فرد است و مجموع صفات فردی صفات گروهی را می‌سازد که ساخت اجتماعی متأثر از این صفات گروهی است. لذا استفاده از اصول مناسب در سیمای منظر معماری شهری می‌تواند منجر به تأثیرات مفیدی در این راستا گردد. در فضای شهری با ایستایی پیوستگی اجزاء در یک کل هدفمند و منظم بوده که در عین کثرت خود با اجزاء دیگر وحدت یافته و به یک کل کمال یافته منتهی گردد. محیط در صورتی که به نیازهای ادراکی انسان پاسخ گوید، می‌تواند رضایت مندی افراد را ارتقاء بخشد. در این راستا نماندگی‌ها به عنوان بخش عمده‌ای از منظر معماری شهری می‌تواند علاوه بر احترام به انسان و ابعاد وجودی او نمونه‌ای بارز از مردم‌داری با ارتقاء غنای حسی باشد و موجب لذت بخشی در فضای شهری با توجه به ارزش‌های زیبایی حسی، شکلی و نمادین شود. توجه به نمادپردازی و تحت تأثیر قرار دادن ناخودآگاه جمعی در فضای شهری منتهی به ارتباط کالبد و معنا در منظر شهری می‌گردد و می‌تواند منجر به خلق حس مکان، خاطره جمعی و حس تعلق به محیط گردد. (نوربرگ شولتز، ۱۳۸۲: ۴۵)

تاریخ وجود ارزش‌هایی مانند تداوم تاریخی، سلسله مراتب، عدم تقلیدی بودن، تناسب فضاها با ارزش‌های فرهنگی و ویژگی‌های انسان، فراهم بودن زمینه مشارکت افراد جامعه در فضا و احساس ان‌همانی فرد در فضا شرایط لازم برای ایجاد حس تعلق را ایجاد می‌کند. احترام به تاریخ و فرهنگ مردم در طراحی منظر معماری شهری می‌تواند موجب احراز هویت شود و در این زمینه باید به جای سبک‌های تقلیدی سعی در استفاده از ارزش‌های تاریخی و بومی در طراحی منظر مورد توجه قرار گیرد. (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۸۹: ۸۷)

فرهنگ

فرهنگ‌ها در تعامل انسان‌ها با یکدیگر شکل می‌گیرند، تغییر می‌کنند و باز تولید می‌شوند. هر فرهنگ شامل ارزش‌ها، مبانی و اصولی است که بر سایر جنبه‌های زندگی انسان اثرگذار است. بر اساس تغییرات

گذری بر تاریخ منظر (نما) در شهرهای ایران از آغاز دوره اسلامی تا ..حاضر

در مسیر زندگی انسان در طی زمان، تغییرات چشمگیری در صورت و فرم و معانی معماری به وجود آمده است. فرهنگ هم بر معماری تأثیری گذارد و هم از آن تأثیری پذیرد و تغییرات اساسی در فرهنگ و نمادها تغییر در معماری، جامعه و شهر را نیز در پی دارد. در صورتی که در منظر معماری شهری به ویژگی‌های رایج فرهنگی در شهر احترام گذاشته شود به آداب و عقاید مرسوم توجه شود می‌توان به احراز هویت دست یافت. در این راستا شناسایی مؤلفه‌های فرهنگی و توجه به اصول آن در طراحی جداره‌های شهری و نماها بسیار اهمیت دارد. (Correa, C. 1983) تبعیت منظر از معانی عاطفی، احساسی، فرهنگی، تاریخی محیط منجر به پیوند مستحکم آن با استفاده‌کنندگان می‌شود. استفاده تزئینی از عناصر وارداتی و مدگرایی‌های مقطعی در طراحی نماها به مقوله فرهنگ آسیب‌های جدی را وارد کرده است. لازم است با احتراز از بیهوده‌گزینی و اتلاف فضاها و اجتناب از تزئینات فاقد مصرف همچون مجسمه، نمادهای فاقد کاربرد و صرفاً نمادین که در بناهای اروپایی دیده می‌شوند به اصلاح این موضوع کمک کرد. معیارهای مؤثر بر ارتقا هویت عبارتند از توجه به مؤلفه‌های معنایی در شکل‌دهی به نماهای شهری با در نظر گرفتن ایدئولوژی حاکم بر جامعه، احترام به انسان، توجه به نیازهای انسان، توجه به نماد و سمبل، ایجاد ارتباط کالبدی و معنا و توجه به غنای حسی در محیط، احترام به فرهنگ بومی جلوگیری از شبیه شدن به بیگانه، تداوم تاریخی با احترام به ابعاد معنایی تاریخ و پرهیز از تکرار فرم‌های قدیمی تحت عنوان تاریخ‌گرایی. (گل محمدی، ۱۳۸۹: ۹۰)

مؤلفه‌های معنایی مؤثر بر هویت منظر معماری

بررسی مؤلفه‌های معنایی مؤثر بر هویت مطلوب منظر معماری در حالی که یکی از مشکلات نماها را تکراری و خسته کننده بودن آن می‌داند، معتقد است که نماها باید حس مکان بی‌آفرینند. از سوی دیگر نما واسطه میان فضای درون و بیرون است و در حقیقت باعث ایجاد سلسله مراتب میان فضای عمومی و خصوصی می‌شود. وی همچنین معتقد است که نما باید پنجره‌هایی داشته باشد که بتواند حضور مردم را ایجاد کند و هم چنین زندگی درون بنا را قَب کرده و نشان دهد. در عین حال شخصیتی

خوانا داشته باشد تا ارتباطی میان ساختمان‌های هم‌جواری برقرار سازد. همچنین دارای ترکیباتی باشد که ریتم آفریده و چشم‌نواز باشد. در عین حال وی بر ساختاری معنادار از نظر فرم، حجم و استفاده از ارزش‌های تاریخی و بومی در طراحی منظر به جای سعی بر استفاده از سبک‌های تقلیدی احساس این‌همانی فضا تداوم تاریخی، سلسله‌مراتب و تاریخی ارتقاء غنای حسی نمابا توجه با ارزش‌های زیبایی‌شناسی حسی، نمادین و شکلی ارتقاء غنای حسی نمابا توجه با ارزش‌های زیبایی‌شناسی حسی، نمادین و شکلی پیوستگی اجزاء در کل هدفمند و نظم در عین کثرت با خود و وحدت با اجزاء پیوستگی اجزاء در کل هدفمند و نظم در عین کثرت با خود و وحدت با اجزاء توجه به مؤلفه‌های معنادهی در شکل‌دهی به نماهای شهری بادر نظر گرفتن ایدئولوژی مصالح تأکید داشته و معتقد است که به‌کارگیری مصالح بومی و تزئینی به‌صورت تفکر شده و منطقی بر زیبایی آن خواهد افزود. همچنین پرداختن به جزئیات و تزئینات برای ایجاد جاذبه و زیبایی در حد معقول را مناسب می‌داند. (Cullen, G. 1961) منظور از معنی، وضوح در درک و شناخت آن و سهولت برقراری پیوند بین عناصر و اجزاء آن با سایر رویدادها و مکان‌ها در یک تجلی مجسم ذهنی از مکان و زمان و ارتباط این تجلی با مفاهیم غیر فضایی و ارزش‌هاست. این پیوند، گاه بین شکل محیط و فرآیندهای انسانی ادراک و شناخت شکل می‌گیرد و به معانی شکل فضایی و کیفیت محیط وابسته است، ولی در عین حال به فرهنگ، منش، موقعیت، تجربه و مقصد کنونی مشاهده‌گر نیز بستگی

دارد. (Bentley, Ian. Alcock, A. Murrain, P. McGlynn, S. & Smith, G. 1985)

خوانایی

کیفیتی است که موجب اتقا به آن‌ها را فراهم می‌آورد. آن‌چه در ارتباط با خوانایی مهم است این که نماها و محیط‌های شهری به‌گونه‌ای در کنار یکدیگر قرار گیرند که قابل درک باشند. روند طراحی باید بتواند روح و ماهیت مکان یا ساختمان را به شیوه‌ای متناسب اقتباس کرده، این ایده‌ها و تصاویر را در قالب رویکردی اندیشمندانه نسبت به فرم کالبدی، مصالح، رنگ و عناصر طراحی که به آسانی قابل تشخیص و درک هستند به تصویر کشد. (همان)

غناى حسى

غناى حسى در رابطه با درگى حسى هاى مختلف در بصرى و غير بصرى مى باشد. حس هاى دخيل در الزامات طراحى شامل، بينايى (حس مسلط)، بويائى، شنوائى، بساوايى و جابجايى (حرکت) مى باشد. (همان)

حس مکان

حس مکان به معنای ادراک ذهنی فرد نسبت به محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آن ها از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می دهد، به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسى و رفتارى ویژه برای افراد خاص مى گردد. (فلاح، ۱۳۸۵: ۵۴) بر اساس آن چه در ارتباط با مکان عنوان گردید، در مدلی که جان کانتز تحت عنوان حس مکان ارائه نموده است، در این مدل حس مکان به عناصر سه گانه محیط کالبدی، فعالیت و معانی وابسته است که هیچ یک از عوامل را نمی توان تحت هیچ شرایط دیگری تقلید داد، چرا که این امر موجب رشد تک بعدی یکی از عوامل و نقص آن در دیگری شده و هویت و مکان و در نتیجه حس مکان را دچار بحران می کند، این سه عامل به گونه ای تفکیک ناپذیر در فهم افراد از مکان های مختلف به هم پیوند خورده اند. (حیدری و دیگران، ۱۳۸۸: ۹۰) بنابراین مى توان معیار ایجاد حس مکان را فرم، فعالیت و معنی (تصویر ذهنی) بر شمرد.

مؤلفه های ادراکی مؤثر بر کیفیت مطلوب منظر معماری های کالبدی

از نظر کرمونا در هر مقیاسی مى توان کالبد منظر را به صورت منظر سخت و منظر نرم دنبال کرد. منظر سخت در برگیرنده کلی، عناصر مصنوع و کیفیات مربوط به آن مى باشد و از جمله کیفیاتی که در این دسته مورد بررسی قرار می گیرد مى توان به مصالح، تناسبات بدنه، ریتم، خطوط آسمان، جزئیات و تجهیزات شهری اشاره کرد، این کیفیات شامل خصوصیات زیر می باشند. (کرمونا، ۱۳۸۸):

مصالح

مصالح ساختمان باعث ایجاد رنگ و بافت می‌شود. انتخاب مصالح متأثر از عوامل جوی و اقلیمی، برج‌نیات جذابیت های بصری در فواصل مختلف و الگوهای نماتأثیر دارد. استفاده صحیح از مصالح می‌تواند به ارتباط دادنی ساختمان با همسایگان‌ش کمک کند. آن‌چنان‌که ایجاد سایه توسط مصالح در ایجاد عمق و استحکام بصری مؤثر است. مصالح همچنین بیانگر تمایزات محلی و منطقه‌ای هستند. سلسله‌مراتبی از سنت‌های ساخت‌درگونه‌ها و مصالح نمایان است و بدان وسیله تمایز محلی مثلاً در رنگ آشکار می‌شود. از نظر پاکزاد (۱۳۸۵) آن‌چه در بررسی مصالح نما حائز اهمیت است، ارتباط میان سطوح بایکدیگراست. در این رابطه باید به اندازه، تناسب و نحوه ارتباط سطوح مختلف باهم توجه کرد. استفاده صحیح از مصالح ساختمانی می‌تواند در منظر معماری حس وحدت ایجاد کند و همچنین به الحاق بصری ساختمان در یک توسعه جدید کمک کند. (علی‌خانی، ۱۳۸۴: ۵۴)

تناسبات

منظور از تناسبات نما، نسبت ارتفاع به عرض آن قطعه است که پاکزاد (۱۳۸۵) بر این اساس قطعات را در سه دسته قرار می‌دهد: قطعات افقی یا خوابیده، قطعات عمودی یا ایستاده و قطعات با تناسبات مساوی یا بدون جهت. تناسبات، ارتباط میان قسمت‌های مختلفی که ساختمان و نیز ارتباط میان یک قسمت و کل واحد است. تناسب ممکن است با نسبت قسمت‌های پروخالی در نمای ساختمان و یا در نحوه سازمان‌دهی درها و پنجره‌ها در نما و ارتباط غنای حسی درگیری حس‌های مختلف در بعد بصری و غیر بصری درگیری حس‌های مختلف در بعد بصری و غیر بصری حس مکان معنا خوانایی و وضوح و پیوند بین عناصر و اجزاء با سایر رویدادها و مکان‌ها در یک تجلی مجسم ذهنی از مکان و زمان و وضوح و پیوند بین عناصر و اجزاء با سایر رویدادها و مکان‌ها در یک تجلی مجسم ذهنی از مکان و زمان تشخیص آسان فرم کالبدی مصالح، رنگ و عناصر طراحی قابل درک بودن نما پیوند فهم و احساس فرد با زمینه‌ی معنایی محیط پیوند فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط بررسی مؤلفه‌های ادراکی مؤثر بر کیفیت مطلوب منظر معماری میان عناصر توپوگرافیم مرتبط باشد. خیابان‌های

گذری بر تاریخ منظر (نما) در شهرهای ایران از آغاز دوره اسلامی تا ..حاضر

سنتی یا مجموعه‌ای از ساختمان‌های مختلف، نسبت قابل قبولی از پنجره به دیوار دارند. اگر تناسب ساختمان‌های جدید منسجم باشد و نسبت به ساختمان‌های موجود هماهنگ باشد، ارتباط بیشتری با بافت پیدامی‌کند. تعابیر و تفسیرهای مردم از یک مکان، مناسبت بصری ایجاد می‌کند که می‌توان پاسخ دهندگی در سه سطح را تقویت کند. (۱۹۸۵) پشتیبانی از خوانا بودن در فرم به طوری که ساختمان با محیط اطراف یک پارچه باشد، پشتیبانی از خوانا بودن در عملکرد بدین صورت که جزئیات ظاهری مکان باید در خوانایی الگوی کارکردهای آن به مردم کمک کند و متناسب با عملکرد هر بنا باشد، به وسیله پشتیبانی از گوناگونی به طوری که جزئیات ظاهری ساختمان‌هایی است به وسیله ایجاد تصویر ذهنی مناسب از حوزه، چیدمانی متناسب با تنوع کاربری‌ها فراهم آورند.

ریتم

پاکزاد (۱۳۸۵) معتقد است که تکرار هر عنصر یا زلحاظ فرم (شکل، رنگ و غیره) بر اساس نظمی مشخص ریتم یا ضرب‌آهنگ نامیده می‌شود؛ بنابراین ریتم، آرایش و اندازه یا جزای سازنده ساختمان است که به طور نرمال تکرار می‌شود. در مورد ریتم، نسبت دیوار به پنجره در نما بسیار حائز اهمیت است و همچنین تأکید افقی و یا عمودی روزنه‌ها و بیان ساختار در نمای ساختمان به عنوان عنصر نظم دهنده به خیابان می‌تواند به وسیله تقسیمات نمایان صورت گیرد. بنا به عقیده کر مونا (۲۰۰۳) هر چند بسیاری از نماها هر دو عنصر افقی و عمودی را دارند اما یکی بر دیگری تسلط داشته و بر تأکید افقی یا عمودی آن غالب است. ساختمان‌های سنتی دارای تأکیدات عمودی قوی بوده‌اند. تأکید افقی، ریتم بصری خیابان‌های سنتی را قطع می‌کند. خطوط افقی به لحاظ بصری به خطوط عمودی سریع‌تر می‌باشند (چشم، با سرعت بیشتری از آنها می‌گذرد) و به همین دلیل جذابیت کمتری دارند، چون چشم برای مدت زمان کوتاه‌تری در آن‌ها توقف می‌نماید. (کر مونا، ۱۳۸۸: ۶۰)

خطوط پیکره

خطوط پیکره شامل خط آسمان و خط کف می‌باشد. در بررسی پیکره شهری آن چه دور حجم‌ها را قاب می‌کند و در واقع فصل مشترک این و آسمان است، خط آسمان نامیده می‌شود. هم‌چنین در تعریف خط کف می‌توان گفت که به حدفاصل بنا و زمین خط کف گفته می‌شود که معمولاً در سطح شیب‌دار حائز اهمیت است بطوری که در آن نحوه اتصال بنا به زمین مورد توجه قرار می‌گیرد. (همان) جزئیات به همان اندازه که جزئیات چشم را جذب می‌کند، کمبود جزئیات معماری را فقیر می‌کند و تجربه مواجهه نزدیک با ساختمان ضعیف می‌شود. نماهای توان‌دبر اساس غنای بصری و زیبایی و ظرافت درک شوند. در رابطه با منظر سازی نرم می‌توان گفت؛ منظر سازی نرم نقش مهمی در آفرینش شخصیت و هویت منظر شهر ایفا می‌کند. درختان و گیاهان تغییر فصل را بیان می‌کنند، در حالی که به خوانایی فصلی محیط شهری کمک می‌کنند. بحث نور و سایه را می‌توان در مقوله منظر نرم بررسی کرد. تأثیر نور و تغییر جهت تابش در طول روز و تغییر سایه‌ها بر کف و جداره فضاهای شهری، می‌تواند منظر متفاوتی را در ساعات گوناگون ارائه دهد. به عقیده کالن (۱۳۷۷) منظر شهری هنر یک پارچگی بخشیدن بصری و ساختاری به مجموعه ساختمان‌ها، خیابان‌ها و عناصر موجود در آن‌ها و فضاهایی است که محیط شهری را می‌سازد، از جمله می‌توان به فضاهای طبیعی موجود در شهرها اشاره کرد که نقش بسزایی در خلق منظر شهری متفاوت دارند. در میان عناصر طبیعی تأثیر گذار در منظر شهری، درختان به خاطر ساختار و بافت ویژه‌ای که دارند اهمیت زیادی دارند و پیدایی می‌کنند. (ویتنرز، ۱۳۷۸: ۷۸) درختان نیز مانند بناها دارای ساختارهایی هستند که منجر به ایجاد یک سبک معماری گیاهی می‌گردد. درختان از روی اندازه، شکل، ترکیبات رنگی‌شان و یا تباین با عناصر دیگر و حتی به خاطر بافت یا عطرشان برگزیده می‌شوند. زمان تشکیل یا افتادن برگ‌ها، نوع سایه یا اندازه تاج درخت بر انتخاب آن تأثیر دارد. (کالن، ۱۳۹۰: ۴۳) درختان برای ایجاد تغییر در هویت بصری شهر باید به اندازه کافی بزرگ و تعدادشان زیاد باشد تا قادر به ایجاد جلوه خاصی در سیمای شهر شود. بهترین مقیاس برای تأثیر بصری درختان، حجم شاخه و برگ‌گانه است. کاشت درختان نزدیک جداول شکل بهم پیوسته‌ای از شاخه‌ها را ایجاد می‌کند که همچون پرده‌ای سبز و عمودی باعث قویت فضای پیاده می‌شود، از این رو استفاده از درختان کوتاه برای فضای خیابان، مناسب به نظر نمی‌رسد، چون

گذری بر تاریخ منظر(نما) در شهرهای ایران از آغاز دوره اسلامی تا ..حاضر

فضای خیابان راقطعه قطعه کرده و نیازهای توازن برای فضای شهری رارفع نمی‌کند. درختان در ایجاد منظر مناسب شهری نقش بسزایی ایفای می‌کنند حتی اگر فاقد ارزش کاربردی باشند. درختان یک فرصت برای خلق ترکیبات بدیع شهری با ترکیب معماری، در ایجاد توازن و وحدت بصری در شهر ایفای می‌کنند. مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر کیفیت مطلوب منظر معماری ارائه شده است. (هدمن، ۱۳۸۱: ۳۲)

مؤلفه های سازنده نمای مطلوب

تحولات چند دهه یا اخیر در منظر شهرها سبب شده، تدوین ضوابط و مقررات برای ساماندهی نماهای شهری مورد توجه قرار گیرد، به طوری که یکی از مهمترین مسائلی که نظر طراحان را جلب نموده، مسئله منظر عینی شهر می‌باشد. فقدان هویت، نابسامانی و اغتشاش بصری از مهمترین انتقاداتی است که به منظر عینی شهری معاصر وارد می‌شود. ابعاد مورد توجه در تأثیر بر رنگ و بافت، جذابیت بصری، ارتباط نما با ساختمان‌های اطراف خود، عمق و استحکام بصری از طریق ایجاد سایه، اندازه و تناسب و نحوه ارتباط سطوح از طریق مصالح، ایجاد حس وحدت در منظر معماری، کمک به الحاقات بصری در توسعه بنا بررسی مؤلفه‌های کالبدی مؤثر بر کیفیت مطلوب منظر معماری ارتباط میان قسمت‌های مختلفی ک ساختمان و ارتباط میان یک قسمت و کل واحد، هماهنگی با بافت، ارتباط بین قسمت‌های پرو خالی در نما ساختمان، نحوه سازمان‌دهی درها و پنجره‌ها در تناسب نما و ارتباط میان عناصر توپو جزئیات نما ایجاد غنای بصری و زیبایی و ظرافت خطوط نما خط آسمان و خط کف کیفیت مصالحی که بصری و ریتم عنصر نظم دهنده توسط تقسیمات نما و منظر سخت ایجاد توازن و وحدت بصری در شهر از طریق درختان، بواسطه خلق کیفیات بدیع شهری درختان و گیاهان درختان و گیاهان مؤلفه کیفی منظر سخت. (گروتز، ۱۳۸۸: ۱۵۴) مصادیق و مقیاس‌های مورد عمل طراحی شهری مشتمل است بر ابعاد. مؤلفه زیبایی‌شناسی، مؤلفه عملکردی، مؤلفه زیست‌اقلیمی، مؤلفه هویتی - ادراکی. مفهوم زیبایی‌شناسی، عملکردی و زیست‌محیطی به دلیل تأکید بر شناسایی شاخص‌های زیبایی‌شناسی و زیست‌محیطی نمای مطلوب از دید ناظران مورد توجه قرار می‌گیرد.

مؤلفه های سازنده معماری شهری هم سازباقلیم دربرگیرنده تأثیرات محیطی وقوانین ساخت وسازهای شهری می باشد. درک محیط طراحی معماری هم سازباقلیم، بادرک از محیط آغازمی شود. درک محیط باعث مشخص شدن مراحل طراحی، از جمله جهت قرارگیرینسبت به خورشید و چگونگی قرارگیری ساختمان درسایت و حفظ محیط پیرامون و دسترسی به سامانه حمل و نقل و پیاده راه ها می شود. ارتباط با طبیعت چه ساختمان در درون محیط شهری باشد و چه دریک محیط طبیعی تر، ارتباط دادن طبیعی به محیط طراحی شده روح و جان می بخشد و همین ساختمان ها هستند که سرانجام معماری شهری رابه وجود می آورند. درک تأثیرات محیطی معماری شهری هم سازباقلیم سعی در درک تأثیرات محیط از طریق ارزیابی و تحلیل دارد. ارزیابی انرژی مصرفی، مصالح و فن های ساختمان سازی، به گونه ای که بتوان تأثیرات منفی محیطی را از طریق به کارگیری مصالح ساختمان سازی پایدار، مصالح با سمیت کمتر و مصالح ساختمانی با زیافت پذیر کاهش داد. بنابراین، معماری هم سازباقلیم، ترکیبی چندارزشی در بردارد. (سعیدی، ۱۳۹۶: ۴۳) زیبایی شناسی، محیط، اجتماع، سیاست و دریک کلام طراحی و ساختمان سازی هماهنگ با محیط. یک معمار باید زیرکانه چند عامل را در نظر بگیرد: مقاومت و پایداری و طول عمر بنا، مصالح مناسب، مفهوم و کانسبت، مباحثی همچون آسایش گرمایی، صرفه جویی در مصرف انرژی و نظارت تبادل انرژی میان انسان و محیط و محیط های مصنوع و طبیعی، اجزای جدایی ناپذیر مطالعات شهری هستند. همه اصول معماری شهری هم سازباقلیم، می بایستی دریک فرآیند کامل که منجر به ساخته شدن محیط زیست سالم می شود، تجسم و تبلور یابد. تناسب ارتفاعی ساختمان ها هرگاه سخن از قوانین شهر سازی به میان می آید، مباحث و معضلاتی همچون ناهمگونی ارتفاع ساختمان ها مطرح می شود و بلافاصله مباحث زیبایی شناسی شهری به چالش کشیده می شود و ابعاد دیگر مسئله، از جمله تأثیرات نامطلوب این ناهمگونی بر افزایش اتلاف انرژی ساختمان ها، نادیده گرفته می شود. همچنین، نگاهی دوباره به شیوه شهر سازی در شهرهای تاریخی ایران (مانند شهرهای اقلیم گرم و خشک) و توجه به ارتفاع واحدهای همسایگی، کالبدی مؤلفه عملکردی کیفیت سازگاری فرم طراحی برای پیاده طراحی

گذری بر تاریخ منظر (نما) در شهرهای ایران از آغاز دوره اسلامی تا ..حاضر

برای پیاده تراکم مؤلفه کیفی ادراکی سازگاری امنیت انعطاف پذیری مؤلفه نظم بصری کمی اهمیت این مطلب رابیش از پیش نشان می دهد و آن را قابل درک و دریافت پذیری کند. در کالبدیافت قدیمی شهرهایی همچون یزد و کاشان، قرارگیری واحدهای مسکونی در کنار یکدیگر نوعی هماهنگی در ارتفاع ساختمان های هم جوار به وجود آورده است. الگو برداری از معماری گذشته ایران به دلیل هماهنگی سازگار با شرایط اقلیمی می تواند در برخی مسائل راه گشای مناسبی برای طرح های هم ساز با اقلیم در زمان معاصر باشد. بی شک یکی از مسائل مهم در طراحی هم ساز با اقلیم برای بهره گیری بهینه از گرمای تابش خورشید در راستای ایجاد آسایش بیشتر درون ساختمان ها، دقت در قرارگیری بازشوها، نظارت جهت آن ها نسبت به تابش خورشید در طول روز، ابعاد سایه بان ها و تناسب آنهاست اما دقت و به کارگیری این موارد در طراحی، تنها زمانی به نتایج مطلوب می انجامد که نحوه قرارگیری واحدها مسکونی در محیط پیرامون، امکان استفاده از این انرژی را میسر سازد. به بیان دیگر، در شهرهای بزرگ (که اتفاقاً بیشترین معضلات اتلاف انرژی را نیز دارند) فواصل میان واحدهای مسکونی و ساختمان های دوسوی یک گذر مطلوب نیست؛ به این معنی که اندازه پهنای گذر، کوچه یا خیابان، با اندازه ارتفاع ساختمان تناسب و هم خوانی مطلوبی ندارد. (همان) معماری بومی معماری بومی و زیست محیطی ایران واجد ارزش های بسیاری در شیوه های گوناگون استفاده به نه از انرژی و بهره برداری اکولوژیک از انواع انرژی ها و به ویژه به کارگیری انرژی های پایدار بومی زیان است. گرچه استفاده از باد و به عبارت درست تر، بهره برداری از جنبش هوا و نسیم از عمده ترین و رایج ترین کاربردهای انرژی های بی زیان در معماری شهری بومی ایران است. با این حال، همه عناصر چهارگانه فلسفی و آیینی آب، هوا، خورشید و خاک دارای کاربرد عالی زیست محیطی در مدنیت و معماری شهری ایران قدیم بوده اند. نوع مصالح و فنون ساختمانی رایج در گذشته در مقایسه با مصالح و مواد سبک وزن و کم حجم کنونی دارای ظرفیت بالای نگهداری و ذخیره انرژی و استعداد متعادل سازی حرارت در فضاهای مصنوعی بوده اند. (سعیدی، ۱۳۹۶: ۱۵۴) و قوانین شهرسازی در رابطه با اقلیم یادآوری همانندی های ظاهری کالبدی شهرهای معاصر ایران که در اقلیم های گوناگون قرار گرفته اند، شاید مبحثی تکراری به نظر آید اما واقعیتی است که تبعات منفی بسیاری در پی

دارد و خود این امر ناشی از نبود توجه کافی در تدوین قوانین جامع شهرسازی شهرها با اقلیم های متفاوت است. به سخن دیگر، قوانین ساخت و ساز در کلان شهرها و شهرهای بزرگ ایران همچون تهران، اصفهان، مشهد، شیراز، تبریز و کرمان یکسان است و این در حالی است که این شهرها شرایط اقلیمی بسیار متفاوتی نسبت به یکدیگر دارند. رواج ساخت و ساز بر مبنای طراحی هماهنگ با اقلیم، زمانی می تواند بر کاهش اتلاف انرژی تأثیر مطلوب داشته باشد که زمینه و بستر آن در کالبد شهر فراهم باشد. از این رو، بایستی چگونگی قرارگیری واحدهای همسایگی نسبت به یکدیگر و چگونگی ایجاد پیکره کالبدی شهر را با تأکید بر موضوعات اتلاف انرژی در ساختمان ها مورد بحث قرار داد و در این میان، مسئله هماهنگی ارتفاع واحدهای همسایگی و ساختمان های هم جوار، تناسب پهنای گذرها و ارتفاع ساختمان ها، به کارگیری مصالح گوناگون در دیواره بیرونی بنا با توجه به قوانین شهرداری و سرانجام مسئله توجه به شرایط اقلیمی شهر در تدوین شهرسازی آن، مدنظر قرار گیرند. (همان) بی شک قوانین شهرسازی و چگونگی قطعه بندی مناطق هر شهر تأثیری مستقیم بر نحوه ساخت و ساز دارد و نبود نکته سنجی کافی در این زمینه گاه سبب می شود که شاهد پدیده های غیر اصولی (چه به لحاظ زیبایی شناختی و چه به لحاظ اتلاف انرژی) در ساخت ساختمان ها باشد. برای نمونه، در شهر کرمان به دلیل شرایط اقلیمی این شهر، جهت قرارگیری ساختمان ها به صورت شمالی، جنوبی است. به گونه ای که ساختمان های هم جوار در جهت شرق یا غرب ساختمان قرار می گیرند بنابراین، به لحاظ صرفه اقتصادی، مجریان ساختمان عموماً نمای شمالی و نمای جنوبی ساختمان را با نوعی مصالح متفاوت نسبت به مصالح غربی و شرقی اجرامی کنند. (شاه چراغی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۳)

در بررسی شکل شناختی، نماهای شهری دو جنبه اساسی ارکان و اجزای مطرح می باشد. در مسیر تهیه ضوابط و مقررات دسته بندی شده نماهای شهری، شناخت اجزای مختلف نما بسیار مهم است. از طرفی قسمت دیگر طراحی تلاش در جهت ایجاد هماهنگی میان اجزای نماست، این امر در بافت هایی که دارای معماری تاریخی و با ارزش هستند اهمیت پیدای کند. به طور کلی در طراحی نماچه به صورت مجزا و چه در ارتباط با کل، لازم است به عناصر اجزاء تشکیل دهنده نما توجه ویژه داشت. این

گذری بر تاریخ منظر (نما) در شهرهای ایران از آغاز دوره اسلامی تا ..حاضر

عناصر عبارت انداز پهنه نما، سطوح شفاف و کدر، ورودی، سطوح خالی، خطوط نما، بالکن، کنسول یا پیش آمدگی، الحاقات نمای بدنه های شهری، الحاق نما، عناصری هستند که جزء طرح اولیه ابنیه نبوده و بعداً بر اثر نیاز مالک یا ساکنان به مرور زمان به ساختمان الحاق شده اند و تأثیر به سزایی در شکل منظر شهری ایجاد می کنند. بتتلی این اجزاء را، پنجره ها، جزئیات جداره همکف، وزن های عمومی، وزن های افقی و خطوط آسمان نام می داند، اما ارکان نما سازی، تناسب، مقیاس، ریتم، خط آسمان غیر همی باشند. (P. McGlynn, S. & Smith, G. 1985.) اصول و قواعد ترکیب نما

نمابه عنوان یکی از مهم ترین عناصر تأثیر گذار بر فضاهای شهری است که در صورت داشت ارزش های بصری و هماهنگی با محیط می تواند ارتقاء کیفیت منظر معماری شهری و زندگی افراد را فراهم سازد. منظر معماری در تعریف صحیح نه مجموع های از نماها و پوسته بناهای شهر، بلکه منظومه ای از همه عناصر محسوس و قابل درکی است که بر حواس انسان تأثیر می گذارند و توسط مخاطب تفسیر و در کمی شوند و در قالب مقوله های ادراکی، ذهنی و عینی که بر آیند اطلاعاتی حاصل از بناهاست، به سیما و منظر معماری شهرویت می بخشد. عدم توجه به بافت شهر در نمای هر ساختمان بدون در نظر گرفتن ساختمان های مجاور سبب ناهمگونی در محیط و تضاد بصری در سیمای شهری می شود. با شناخت مؤلفه های مؤثر در طراحی نماد ارتباط با سیما و منظر اطراف می توان به ارائه راهکارهایی مناسب جهت تقویت جوهر زیبایی شناختی، هویتی و خلق یک کل هماهنگ جهت ساخت و ارتقاء کیفی نماهای معماری در ارتباط با یکدیگر دست یافت، حصول به مبانی طراحی نماد و مقیاس شهری مستلزم دستیابی به اصول و روابط میان اجزاء و عناصر سازنده بدنه های باشد. در این راستا شناخت نما، عناصر و سطوح تشکیل دهنده آن و مبانی طراحی در ارتباط با زمینه یا اطراف، سبب دستیابی به معیارهایی است که می تواند پیوند بین نماهای مجاوره و ایجاد و هماهنگی بین اجزاء منظر شهر را به وجود آورد. منظور از اجزاء سازنده نما، بخش های مختلف تشکیل دهنده آن نیست، بلکه عناصر بارز و برجسته هر نماست که در زمینه یک نمابه صورت شکلی دیده می شود و به صورت بارز زمینه نما متجلی شده و بر ذهن انسان تأثیر می گذارد.

فهم شهروندان از شهر است که به واسطه ادراک نمادهای آن ابعاد کالبدی شهرهای منظر معماری شهری اصول سازند و تداعی معانی مرتبط با آن‌ها (ابعاد ذهنی و خاطرهای) صورت می‌گیرد. (شاه چراغی و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۷) پاکزاد (۱۳۸۵) نامارا سطوح تشکیل دهنده هر بدنه می‌نامد و معتقد است که هر نما جزئی از بدنه است که پوسته یا پوسته‌های ظاهری هر ساختمان را تشکیل می‌دهد و به طور مستقیم بر کارکرد و ارزش منظر معماری خیابان و میدان مؤثر واقع می‌گردند. اگر به نمای یک ساختمان بدون در نظر گرفتن نمای دیگر ساختمان‌های شهر توجه شود، همگونی نمای شهری در مجموع از بین می‌رود. نمای یک ساختمان به عنوان عنصری مهم جهت افزایش ادراک زیبایی و ارتقاء سطح کیفیت منظر شهری است که شناسایی و ارزیابی اصول منظر شهری جهت دستیابی به معیارهای طراحی نماد ارتباط با ساختمان‌های پیرامون و خلق منظر معماری مطلوب را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. ویژگی‌های مرتبط با منظر معماری شناخت عناصر کالبدی جداره از نظر ادراک محیطی همجواری در جداره. تناسب انسانی و مقیاس انسانی در جداره. سادگی و پیچیدگی، تشابه، ریتم، تعادل و هماهنگی در جداره، شناخت عناصر تک جداره از نظر ادراک محیطی، توقع از نما (نقش حفاظتی، نقش ارتباطی، نقش نمایشی)، رابطه نمابا محیط، وزن بنا، ساماندهی اجزاء نمابا کل، رابطه کل و جزء در نمای تک بنا، شناخت جداره بر اساس نوع فعالیت شهری، جداره پیاده راه، جداره به نسبت جداره خیابان محلی، شناخت ویژگی‌های کالبدی فضاها شهری ایرانی. سلسله مراتب، توجه به مفاهیم حریم و قلمرو، درون‌گرایی نقش حس بینایی در ادراک محیط، شکل و زمینه، قوانین گشتالت، قوانین هندسی در رابطه با اجزاء منظر، نقش حواس در ادراک محیط. رابطه یادراک و متن، نقش توجه و ادراک، پیچیدگی و ادراک، نقش آموزش و یادگیری، اهداف عملکردی مطلوبیت منظر شهری. خط آسمان دوربصری. خواناسازی محیط، آرام‌سازی محیط. دسترسی به شبکه حمل و نقل، ایجاد سرزندگی و بالا بردن کیفیت زندگی، حس زندگی اجتماعی، اهداف عملکردی منظر شهری، ایجاد فرصت توسعه گردشگری، تحول تاریخی منظر معماری در دوران گذشته است.

نتیجه گیری

منظر معماری روی رفتار گروهی و فردی تأثیری گذارد، رفتار فردی متأثر از رفتار گروهی و صفات فرد است و مجموع صفات فردی صفات گروهی را می‌سازد که ساخت اجتماعی متأثر از این صفات گروهی است. لذا استفاده از اصول مناسب در سیما و منظر معماری شهری تواند منجر به تأثیرات مفیدی در این راستا گردد. در فضای محیط در صورتی که به نیازهای ادراکی انسان پاسخ گوید، می‌تواند رضایت مندی افراد را ارتقاء بخشد. در این راستا نما سازی ها به عنوان بخش عمده‌ای از منظر معماری شهری تواند علاوه بر احترام به انسان و ابعاد وجودی او نمونه‌ای بارز از مردم‌واری یا ارتقاء غنای حسی باشد و موجب لذت بخشی در فضای شهری با توجه به ارزش‌های زیبایی حسی، شکلی و نمادین شود. توجه به نمادپردازی و تحت تأثیر قرار دادن ناخودآگاه جمعی در فضای شهری منتهی به ارتباط کالبد و معنا در منظر شهری می‌گردد و می‌تواند منجر به خلق حس مکان، خاطره جمعی و حس تعلق به محیط گردد. منظر به مفهوم ناحیه‌ای است که توسط مردم درک می‌شود، منطقه‌ای که ویژگی‌های آن ناشی از تعامل مؤلفه‌های انسانی و طبیعی است و طبیعت، مناطق شهری، روستایی و حومه‌های شهر را در بر می‌گیرد. منظر سرزمین، رودها و دریاها را شامل می‌شود. این مطلب می‌تواند شامل مناظری که باید تحت حمایت یا باززنده سازی و مراقبت قرار گیرند، مناظر عادی و روزمره و حتی مناظری که چهره‌ای نه‌چندان مطلوب دارند، نیز می‌شود. از تعاریف فوق می‌توان استنباط کرد که منظر می‌تواند به عنوان یک ساختار که در آن احساس از مکان و خاطرات، ماندگاری و پایداری ذهنی دارد، دیده شود.

منابع و مأخذ

ابراهیمی، سمیه، اسلامی، سیدغلامرضا. ۱۳۸۹. معماری و شهرسازی ایران در دوران گذار، نشریه هویت شهر، سال چهارم، شماره ۶، بهار و تابستان

بانی مسعود، امیر. ۱۳۹۴. معماری معاصر ایران: در تکاپوی بین سنت و مدرنیته، تهران انتشارات هنر معماری قرن

بررسی تأثیر ضوابط و مقررات شهری در شکل‌گیری نماهای شهری، سازمان www.zibasazi.ir. ۱۳۹۲. زیباسازی شهر تهران جغرافیای سیاسی کیهان

حیدری، ع. آ. محمد حسینی، بریس، پ. ۱۳۸۸. حس مکان در شهرهای جدید، نمونه موردی شهر جدید پردیس، نشریه آبادی، سال ۱۹، شماره ۱۹.

رضازاده، راضیه، ۱۳۸۶، اصل و معیارهای ساماندهی و ضوابط و مقررات سیمای شهری، طرح تحقیقاتی انجام شده در مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری سند اصلی مصوب طرح جامع شهر تهران.

سعیدی، مهدی، فیضی، محسن، رفیعی، مرجان، صارمی، حمیدرضا ۱۳۹۶. بررسی و تحلیل اثرات اقلیمی بر مسکن شهری با تأکید بر بهینه‌سازی مصرف انرژی، سال سوم، شماره ۸، پاییز

شاه چراغی، آزاده. بندرآباد، علیرضا. ۱۳۹۴. "محاط در محیط: کاربرد روانشناسی محیطی در معماری و شهرسازی". چاپاول، انتشارات سازمان جهاد دانشگاهی، تهران.

شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت حموی. ۱۳۸۱. معجم البلدان، تهران، میراث فرهنگی،

صفامنش، کامران. ۱۳۷۳. طرح به سازی خیابان لاله زار، سازمان زیبا سازی شهر تهران.

عباس زریاب خوئی. ۱۳۴۵. تلفظ خوی، مجله یغما، شماره ۸

علی خانی، بهلول. ۱۳۸۴. آب و هوای ایران، انتشارات دانشگاه پیام نور

فلاح، م. ص. ۱۳۸۵. مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن، هنرهای زیبا، شماره ۲

گذری بر تاریخ منظر (نما) در شهرهای ایران از آغاز دوره اسلامی تا ..حاضر

قربانزاده، مریم و همکاران. ۱۳۹۲. بررسی ضرورت و میزان بهره مندی نماهای ساختمان‌های مسکونی معاصر از اصول معماری بومی نمونه موردی؛ نماهای مسکونی، شهر بجنورد. مشهد: موسسه آموزش عالی خاوران

کالن، گوردن، ۱۳۹۰. گزیده منظر شهری، مترجم منوچهر طیبیان، تهران، دانشگاه تهران (نشر اثر اصلی، ۱۹۹۱).

کرمونا، متیو و دیگران. ۱۳۸۸. مکان‌های عمومی - فضاها، شهری، ترجمه: فرباقزایی و همکاران، دانشگاه هنر، تهران

گروتز، یورگ. ۱۳۸۶. زیباشناخت یدر معماری (جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون، مترجم)، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، مرکز چاپ و انتشارات.

گل محمدی، احمد. ۱۳۸۹. جهانی شدن، فرهنگ، هویت، تهران، نشر نی

منصوری، سید امیر. ۱۳۸۳. درآمدی بر شناخت معماری منظر، فصلنامه باغ نظر، شماره ۲، تهران.

مهدی آقاسی. ۱۳۵۰. تاریخ خوی، تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، موسسه تاریخ و فرهنگ ایران

نصر، طاهره، ماجدی، حمید. ۱۳۹۲. نگاهی به مقوله هویت در شهرسازی، معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۱۱، پاییز و زمستان.

نوربرگ شولتز، کریستیان. ۱۳۸۲. گزینه‌ای از معماری، معنا و مکان. مترجم ویدا

نوروزبrazجانی، تهران، نشر جان جهان (نشر اثر اصلی، ۱۹۸۸)

ونگ، کارل گوستاو، ۱۳۸۷. انسان و سمبل‌هایش، مترجم محمود سلطانی، تهران، نشر جامی (نشر اثر اصلی، ۱۹۶۴).

ویتنرز، ادوارد، (۱۳۸۸). معماری، معنا و دلالت در مبانی فلسفی و روان‌شناختی ادراک فضا، مترجم آرش اریاب جلفایی، تهران، نشر خاک (نشر اثر اصلی، ۱۹۹۶).

هدمن، ریچارد و یازوسکی، اندرو. ۱۳۸۱. مبانی طراحی شهری، ترجمه رضیه رضازاده و مصطفی عباس زادگان، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.

Bentley, Ian. Alcock, A. Murrain, P. McGlynn, S. & Smith, G. (1985). Responsive Environment: A Manual for Designers. London: Architectural Press.

Corner, James. 1999. Recovering landscapes, Princeton Architectural Press.

Correa, C. (1983). Architecture and Identity. Singapore: Concept Media Pte Ltd.

Council of Europe. 2000. The European landscape convention,
http://www.coe.int/t/dg4/cultureheritage/landscape/Default_en.asp

Cullen, G. (1961). Townscape. London: The Architectural Press.

Lowenthal, D. 1985. The Past in a Foreign Country. In: Cambridge University Press, Cambridge, p. 168.

